



۱۱ ساختمان بحرانی در بازار تهران

کامران عبدولی، معاون پیشگیری سازمان آتش نشانی تهران با بیان این که «موضوع بازار تهران سال هاست به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی برای مدیریت شهری مطرح است»، گفته که یکی از مشکلات اصلی بازار، نبود تفکیک و منطقه‌بندی مناسب میان صنف‌های مختلف است. با وجود گذشت زمان طولانی، هنوز اقدام مؤثری دراین‌زمینه انجام نشده است: «یکی از پیشنهادهای ما از همان روز نخست این بود که هرچه سریع‌تر این جداسازی انجام شود تا دست‌کم صنف‌هایی که در معرض خطر بیشتری هستند، از سایر صنف‌ها جدا شوند. جداسازی اتفاق نیفتاد اما سال‌های گذشته پیرو هشدارها و تذکرات سازمان آتش‌نشانی که انجام داد، ما تقریباً توانستیم در این چندسال ۱۳۵۷ پلاک که هرکدام بالای ۲۰۰ مغازه است را شناسایی کنیم. از این تعداد ۱۱ ساختمان بحرانی باقی مانده است. از ۱۲۹ ساختمان بحرانی در تهران که ۱۴ مورد آن در بازار تهران قرار داشت، ۳ مورد ایمن‌سازی شده و ۱۱ مورد دیگر باقی مانده که جزو ساختمان‌های بسیار پر خطر یا بحرانی است.»



۶ سال پی‌اپی پاییز خشک

احد وظیفه، رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی در توضیح چرایی کم‌بارشی بی‌سابقه ایران در ماه مهر و احتمال ادامه وضعیت در ماه‌های آینده می‌گوید: «بارندگی در کشور ما که اساساً کشوری کم‌بارش است، دارای نوسان است و این نوسانات در ایران بیشتر به‌جشم می‌آید.» به گفته او: «در سراسر دنیاییز چنین تغییرات و نوساناتی وجود دارد و هیچ سالی مشابه سال قبل نیست.» او وظیفه بخشی از این تغییرات را به تغییرپذیری درونی سامانه اقلیم‌زمین و جو مرتبط دانست: «این روزها خود مسئله تغییر اقلیم، مزید بر علت شده و تعداد سال‌های خشک، روندی افزایشی پیدا کرده است. اکنون ششمین سال پی‌اپی است که کشور، یکی از خشک‌ترین پاییزهای چنده‌ه اخیر را تجربه می‌کند.» او گفت تعداد سال‌های خشک در کشور، تا حد زیادی ناشی از پدیده تغییر اقلیم و تغییر در الگوهای سامانه‌های جوی به‌دلیل افزایش میانگین دمای زمین است.



سرانه پایین آموزشی تهران

محمدمصدق معتمدیان، استاندار تهران با بیان اینکه یکی از برنامه‌های دولت چهاردهم، توسعه عدالت آموزشی است که در سال گذشته با تمرکز روی این مسئله اتفاقات خوبی رقم خورد، گفت: «به‌دلیل کمبود سرانه‌های آموزشی روی این مسئله کار کردیم و ۱۲۴ مدرسه و ۱۴۹۸ کلاس درس، در دوره جاری افتتاح شد؛ تلاش‌مان این است که قبل از پایان دولت، تکلیف قانونی‌مان در برنامه هفتم را به نتیجه برسانیم.» او ادامه داد: «بحث تجهیز مدارس نیز در دستور کار دولت است و بر این اساس بیش از ۶۰ درصد افزایش تجهیزات در کلاس‌های درس داشتیم؛ بخش‌های مختلف کشور نیز دراین‌زمینه ورود کرده‌اند. فضای آموزشی پیش از این در استان ۵/۱۷ سانتی‌متر بود و با اقداماتی که انجام شد، سرانه به ۵/۴۳ افزایش پیدا کرد؛ اما بااین‌حال با میانگین کشوری دو سانتی‌متر فاصله داریم.»

گفت‌وگو

کامبیز برجاس یکی از وکلای پژمان جمشیدی در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

هنوز پرونده را نخوانده‌ایم اما اتهام تجاوز را قبول نداریم

«کامبیز برجاس»، یکی از وکلای پژمان جمشیدی به «هم‌میهن» می‌گوید، هنوز او و دیگر وکلای پرونده نتوانسته‌اند به پرونده دسترسی داشته باشند ولی او قاطعانه انتساب اتهام تجاوز به عنف به موکل اش را رد می‌کند.



«آقای برجاس، از همان اول که این پرونده تشکیل شد، اتهام متهم چه بود و چه روندی طی شد؟

مرجع کیفری برای ایشان اتهام تجاوز به عنف را در نظر گرفته بود. من به‌عنوان وکیلی که سال‌هاست کار می‌کنم و قانون کیفری را بلدم، ادله و مستنداتی که در این پرونده دلالت بر وقوع این اتهام داشته باشد، نتوانستم پیدا کنم. با اطلاعاتی که مانسبت به پرونده داریم و بر مبنای روند پرونده، اظهارات قضات و تفهیم اتهام، این قرار بازداشت موقت که هفته پیش صادر شد، پایه‌های متزلزلی داشت. ما هم بعد از صدور این قرار بازداشت موقت به آن اعتراض کردیم.

«شما می‌گویید که ادله را برای اتهام تجاوز کافی ندیده‌اید؛ شما به پرونده در دادگاه‌بدوی کیفری دسترسی داشتید؟ آن‌را مطالعه کردید؟

خیر. به‌دلیل اینکه دادگاه کیفری طبق قانون، اجازه دسترسی به پرونده تا تکمیل پرونده را نمی‌دهد و این فرصت برای ما فراهم نبود. ما هم با توجه به نص قانون، نتوانستیم به پرونده دسترسی داشته باشیم.

«یعنی هنوز وکلای پرونده، پرونده را مطالعه و رونویسی نکرده‌اند. درست است؟ بله، قانون می‌گوید که در دادگاه کیفری یک تا مرحله پایان تحقیقات، وکلا و متهم به پرونده دسترسی نخواهندداشت.

بعد از اینکه پرونده از دادگاه بدوی به دادگاه تجدیدنظر رفت چطور؟ توانستید پرونده را ببینید؟

خیر، ما تا همین لحظه هم دسترسی به محتوای پرونده نداشته‌ایم.

«پس از کجا می‌دانید که ادله پرونده برای اتهام تجاوز به آقای جمشیدی کافی نبوده؟

تفهیم اتهامی که هیئت قضات به متهم می‌کنندو ادله‌ای که قضات به آن استناد می‌کنند، برای ما مهم است. بر مبنای گواهی پزشکی قانونی که در پرونده وجود دارد، بر مبنای اظهارات موجود و تفهیم اتهام، برداشت هیئت وکلا بر این است که این اتهام به‌هیچ‌وجه به‌موکل منسب نیست.

«شما گزارش پزشکی قانونی را خواندنتان دیده‌اید؟

خیر. ما هنوز ندیده‌ایم و چیزی هم هنوز دراین‌باره به ما ابلاغ نشده اما آنچه مشخص است این است که زمانی که قرار بازداشت در یک دادگاه تجدیدنظر فک می‌شود، دلایل متقن برای اثبات جرم وجود نداشته است. یعنی اگر دلایل انتساب جرم وجود داشته باشد، مطابق قانون، صدور قرار بازداشت موقت اجباری است. فقدان ادله پایه و اساس فک این قرار بازداشت بوده است.

«اما شاکی معتقد است ادله کافی در این پرونده وجود داشته و گزارش پزشکی قانونی دوا بر تجاوز را تأیید کرده است. شما هم که هنوز پرونده را ندیده‌اید، چقدر می‌توانیم بگوییم اظهارات شما در این‌باره سندیت دارد؟

این روند قضایی است که در ادامه مشخص می‌کند حق با چه کسی است و ما همه از قانون تمکین خواهیم کرد. به امر و احترام قانون در این دادگاه حاضر شدیم و باز هم به احترام قانون در ادامه دفاع خواهیم کرد. درنهایت هم هیئت قضات رأی صادر خواهند کرد. آنچه ملاک است رأی قطعی است. رأی غیرقطعی ملاک عمل نیست. درنهایت مشخص می‌شود که آیا اتهامی به موکل ما وارد است که در خور مجازات باشد یا خیر. تا این مرحله به‌نظر من اتهام تجاوز به عنف به آقای جمشیدی وارد نیست. ما دفاعیات‌مان را در اسرع‌وقت در هر زمانی که موقع‌اش باشد به دادگاه ارائه خواهیم‌داد.

«شاید برای قضات دادگاه کیفری این ادله کافی بوده که قرار بازداشت صادر کردند؟

تجاوز به‌درستی و طبق استانداردهای جهانی حمایت می‌کنند. ولی فکر می‌کنم بعد از پرونده‌هایی که به‌ویژه بعد از جریان جنبش «می‌تو» در ایران مطرح و رسانه‌ای شد، پیشنهاد اهالی سینما برای تدوین آیین‌نامه خشونت که خشونت‌های جنسی را هم شامل می‌شد، رسانه‌ای شدن بسیاری از پرونده‌ها در همین عرصه و مطرح شدن گفتمان روایت‌ها در پرونده‌هایی که راویان در پرونده‌های تجاوز و آزارهای جنسی شروع کردند، باعث شده است که جامعه تا حدی نسبت به این موضوعات حساسیت پیدا کرده‌باشد.»

به گفته این وکیل، این موضوع فقط مختص به ایران نیست: «اما موضوعی که ما بیشتر آن را حس می‌کنیم این است که متأسفانه فرهنگ مافرنهنگ تجاوز است؛ ازاین‌منظر که تا روایتی مطرح می‌شود، قضاوت‌ها شروع می‌شود و نوک پیکان آن به سمت راوی است و یاد نرفته‌ایم گوش دهیم، حتماً اظهارنظر نکنیم، ساکت باشیم، مشاهده کنیم تا پرونده قضایی شده به سمت‌وسویی برود، تا راوی روایت خود را بدون ترس از قضاوت‌شدن، انگ‌خوردن و بی‌آبرویی مطرح کند. بدون اینکه بترسد. حتی فرصت دهیم که متهم روایت، عذرخواهی و هر آنچه می‌خواهد را مطرح کند.» او می‌گوید ما بسیار زودتر از متهم، صف کشیده‌ایم که از آبروی او حفاظت کنیم و مراقب باشیم نام او مطرح نشود و قبل از طی کردن یک مسیر حقوقی، درباره آن قضاوتی مطرح نشود: «اما این نگرانی را اصلاً در‌بساره راوی نداریم و درباره او هرچور قضاوتی را انجام می‌دهیم، قضاوت‌های متفاوتی هم داریم؛ از اینکه حتماً دنبال پول بوده تا اینکه پاپوش برای آزارگر دوخته شده و دسیسه‌ای وجود دارد و فرد بازمانده از تجاوز، خودش خواسته و بعداً آن را کتمان کرده است؛ به‌همین دلیل این تغییر محسوس نیست.»

او می‌گوید مجازات زناى به عنف اعدام است و طیف مجازات در این جرم نداریم و به‌همین دلیل، همین مجازات خودش به مانعی برای مطرح‌شدن شکایت تجاوز از سوی بازمانده می‌شود: «مسیر شکایت از کلاتری شروع می‌شود و فرد بازمانده از تجاوز باید به کلاتری مراجعه کند، برای پزشکی قانونی نامه‌ای دریافت کندو شکایت خود را با توجه به نوع جرم در دادگاه کیفری و دادسرا مطرح کند. متأسفانه دستورالعمل با قانون ویژه‌ای برای رسیدگی سریع به چنین جرائمی نداریم. دلیل را باید شاکی بیاورد و آن بازمانده از تجاوز به‌دلیل فشار روحی و روانی‌ای که از سر گذرانده و در ادامه این مسیر متحمل می‌شود، ممکن است ذهن‌اش به‌درستی یاری نکند تا بتواند همه دلایل را مطرح کند؛ بنابراین اگر از ابتدا در چنین پرونده‌هایی یک مشاور حقوقی و مددکار و همراه نداشته باشد، حتماً ممکن است بر خی دلایل را به درستی ارائه ندهد.» به گفته زهر مینویی، برای مثال برای فردی که مورد تجاوز قرار گرفته، لباس‌ها خودش‌ان بخشی از دلایل هستند، فرد نباید دوش بکیرد، باید با همان لباس‌ها به پزشکی قانونی مراجعه کندو تحویل پزشکی قانونی شود: «توقع بسیار زیادی از یک بازمانده از تجاوز است که همه این موارد را به یاد داشته باشد. معمولاً هم در کلاتری هانبروی متخصص وجود ندارد که فرد بازمانده از تجاوز بتواند با اطمینان از حمایت و ترس از قضاوت شدت شکایت خود را مطرح کند و مورد تمسخر و قضاوت قرار نگیرد و سریع نامه پزشکی قانونی را دریافت کند. قطعاً نوع معاینه برای او قضایی نامن ایجاد می‌کند و اضطرابی که از قبل داشته باعث می‌شود همین نقطه، جایی باشد که بسیاری از شاکیان بخواهند از ادامه مسیر و پیگیری حقوقی منصرف شوند. در نهایت بعد از پزشکی قانونی هر حله ثبت شکایت و مراجعه به دادگاه و بارها روایت کردن شکایت است که خود این باعث می‌شود شاکی با بازمانده از تجاوز متحمل فشار روانی شود. ما در دادگاه‌های کیفری، معمولاً مشاور زن هم نداریم و فرد بازمانده از تجاوز باید در یک فضای کاملاً مردانه روایت خود را شرح و به سوالات پاسخ داد و هیچ تضمینی نیست که این سوالات بار قضاوت نداشته باشد. همه این مراحل به نظر می‌رسد اتفاق می‌افتد و مسیر را سخت و پرجالش می‌کند. این وکیل پایه یک دادگستری می‌گوید، درنهایت ما قانون ویژه‌ای برای رسیدگی به جرائم جنسی نداریم و دادگاه‌های ویژه‌ای برای رسیدگی به این پرونده‌ها تشکیل نشده است (به‌معنی اینکه این دادگاه با دستورالعمل خاص، قضاوت ویژه و نیروی تخصصی به‌سرعت به این پرونده‌ها رسیدگی کنند): «هامی دانیم که فرد بازمانده از تجاوز اعدتا دسترسی به عدالت برایش به اندازه متهم به ازار مهیا نیست؛ همه این‌ها به معنای خلاهای قانونی ماست و هیچ حمایتی از بازمانده تجاوز ندار. حتی نمی‌تواند از هویت خود -به‌معنای افشا نشدن آن- محافظت و ترس‌های انگ خوردن را هم حمل کند. همه این موارد باعث می‌شود مرور کنیم و ببینیم قانون در رویه قضایی ما چقدر نقص‌های زیادی در این مسیر دارد.» او می‌گوید با توجه به گفتمانی که به‌واسطه آگاهی اجتماعی در حال رواج پیدا کردن است، درص‌بیشتری از بازمانده‌های تجاوز تصمیم می‌گیرند به قانون پناه ببرند و بخواهند پیگیری حقوقی کنند: «بنابر این ما قاعدتاً با پرونده‌های بیشتری در این حوزه مواجه‌ایم. به‌دلیل ترس از فشارهای اجتماعی و مجازات صفر و صدی که وجود دارد و مصلحت‌هایی که در فرهنگ ما تعریف شده، درصد کمی از این پرونده‌ها منجر به محکومیت می‌شود. مهم است که ما موفقیت را چگونه تعریف کنیم، برای من اینکه یک بازمانده از تجاوز این جرأت را پیدا می‌کند که سراغ قانون و عدالت برود و محکم بایستد، فارغ از نتیجه موفقیت است. به‌همین دلیل اینکه بگوییم چند درصد منجر به محکومیت می‌شود و این را مترادف با موفقیت بدانیم، شاید معیار درستی نباشد.» مینویی می‌گوید محافظت از هویت بازمانده از تجاوز، مهم‌ترین رسالتی است که شبکه‌های اجتماعی و رسانه باید به آن اهمیت بدهند که متأسفانه به نظر می‌رسد هیچ اهمیتی در رسانه‌های ما ندارد و به‌راحتی در شبکه‌های اجتماعی، هویت بازمانده از تجاوز مطرح می‌شود: «نتنها هویت او بلکه آدرس محل سکونت او را هم می‌گویند و این به‌قدری عجیب است که نمی‌دانم چه باید گفت. چطور ما می‌توانیم به خودمان اجازه دهیم به‌راحتی نتنها هویت او را مطرح کنیم، بلکه او را قضاوت کنیم، آدرس‌اش را اعلام عمومی کنیم و نگران اینکه ممکن است تهدید شود، آسیمی ببیند و مزاحمت‌های پی‌درپی برای او ایجاد شود، نباشیم. این رفتاری بسیار غیرمسئولانه‌به‌فرد بازمانده از تجاوز است.»